

مدال چوبی

به دور است، مهم‌ترین تأثیر را در زندگی او گذاشت. کار با نرم‌افزارها، طراحی و الگوی اولیه روی چوب، از مهارت‌هایی بود که با دانستن علم رایانه به دست آورد.

ورود به جهان ناشناخته‌ها

پیدا کردن راه‌های گوناگون برای رسیدن به موفقیت یکی از هزاران تخصص بهنام بود. هنرستان برای او علاوه بر اینکه محلی برای یادگرفتن رشته‌اش بود، راهی را به بهنام نشان داد که تا همین امروز موفقیت‌هایش را از آن راه به دست آورده است.

روزی معلم زبان هنرستان بهنام به شاگردانش خبری داد که نه تنها زندگی بهنام، بلکه ورزشی به نام «کایت‌برد» را تحت تأثیر قرار داد. آقای معلم پیشنهاد داد هر کدام از شاگردانش که می‌خواهند، می‌توانند در کلاس‌های «غواصی» شرکت کنند. بهنام آن موقع علاوه بر نجاری علاقه دیگری پیدا کرد؛ عشق به کشف ناشناخته‌ها و آشنایی با جهانی عجیب و غریب. این علاقه او را به کلاس‌های غواصی برد.

زندگی روی آب

حدود سیزده-چهارده سال پیش مجموعه تفریحی «کیبل اسکی کیش» افتتاح شد. بهنام صبح‌ها به هنرستان، بعد از ظهرها به کیبل اسکی و شب‌ها به کارگاه نجاری پدرش می‌رفت. او که همیشه منتظر فرصتی برای تجربه کردن کارهای جدید بود، در کیبل اسکی، ورزش اسکی روی آب را شروع کرد.



صد و چند سال پیش در یک روز ابری یا آفتابی، آنتوان چخوف، نویسنده روس، با یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های زندگی‌اش مواجه شد. او نمی‌دانست با داستانی که کارنامه ادبی‌اش را به سمت افول برده و منتقدان را عصبانی و خوانندگان را ناراضی کرده بود، چه کار کند. داستان ضعیف او می‌توانست پایانی بر دوران اوج نویسندگی‌اش باشد، اما آنتوان نگذاشت این اتفاق بیفتد. او دست‌ان‌ش را بر زانویش گذاشت و به زبان روسی چیزی گفت که چون روسی بلد نیستیم، نمی‌دانیم چه گفت! اما احتمالاً مضمون حرفش این بود: «من تسلیم نمی‌شوم و از این شکست، موفقیتی بزرگ خواهم ساخت.» آنتوان داستان ضعیفش را به نمایشنامه «دایی‌وانیا» تبدیل کرد که یکی از بهترین نمایشنامه‌های دنیاست. بعضی از آدم‌ها مانند چخوف، از فرصت‌های نه چندان خوب، طوری استفاده می‌کنند که آدم فکر می‌کند اگر چیزهایی که می‌خواستند، سرباهشان قرار می‌گرفت، آن قدر موفق نمی‌شدند. یکی از این آدم‌ها بهنام افتخاری، متولد ۱۳۷۲ و ساکن جزیره کیش است. بهنام دیپلم رشته «تعمیرات تخصصی رایانه» دارد؛ مدال آور و مربی «کایت‌برد»، نجار ماهر و تحصیل کرده رشته گردشگری است. خلاصه بگویم، او همه فن حریف است و از ورزش و هنر و کار فنی بی‌نصیب نمانده است.

شغل پدری

بهنام، مانند بسیاری از آدم‌ها، دوست داشت ایده‌ها و رویاهایش را بسازد و حاصل هنر و خلاقیتش را نشان دیگران بدهد. پدر بهنام نجار بود. همین موضوع او را از کودکی با هنری آشنا کرد که چوب بی‌شکل و رنگ را به وسایلی زیبا، پنجره‌ای رو به خورشید و قایقی روی دریا تبدیل می‌کرد. بهنام از زمانی که هنوز هنرستانی نشده بود، عصرها بعد از تعطیلی مدرسه به کارگاه نجاری پدرش می‌رفت. از همان زمان زنگ نجارشدن او به صدا درآمد. علاقه او به نجاری آن قدری بود که دوست داشت در هنرستان هم رشته‌ای مرتبط با «چوب» را انتخاب کند، اما...

هنرستانی شدن

بهنام می‌خواست هنرستانی شود اما رشته ایده‌آلش در مدرسه‌های نزدیک محل زندگی‌اش تدریس نمی‌شد. پس علاقه بعدی‌اش را انتخاب کرد؛ «تعمیرات تخصصی رایانه»؛ و همین رشته‌ای که تصور می‌کرد از علاقه‌اش

ملی پوش

سال ۱۳۹۸ در سن ۲۶ سالگی بهنام، هیئت کایتبرد مسابقه‌ای ترتیب داد تا بهترین ورزشکاران این رشته در آن شرکت کنند و برندگان عضو تیم ملی کایتبرد شوند. احتمالاً خودتان حدس می‌زنید که بهنام در این مسابقه هم برنده شد و از آن روز به بعد رسماً ملی پوش رشته کایتبرد شد.



از آن موقع به بعد، درآمد خوبی هم از این راه به دست آورد. تصمیم گرفت در طرح گردن‌بندها خلاق باشد. به همین دلیل برای ساختن گردن‌بندها به جای چوب‌های معمولی، از چوب بُردهایی استفاده کرد که شکسته بودند و دیگر قابل استفاده نبودند. ایده‌های ناب او در شکل و ظاهر و جنس گردن‌بندها، علاوه بر آنکه مشتریان را برای خرید ترغیب می‌کرد، برای سازمان صنایع دستی کیش هم جالب بود و سازمان، برای ساخت این صنایع دستی، به بهنام فضای کارگاهی داد.

افتخارات افتخاری

او عضو تیم ملی «کایتبرد» است و بیش از انگشتان دو دست در مسابقات مدال و مقام آورده است. یکی از چندین راهی که او با آن‌ها درآمد کسب می‌کند، تدریس کایتبرد به علاقه‌مندان است. ساختن گردن‌بند چوبی با کمک نرم‌افزارهای رایانه‌ای و نجاری یکی دیگر از راه‌های بروز خلاقیت‌ها و ایده‌پردازی‌های بهنام است. بهنام تمام عشق، علم و خلاقیتش را در طراحی و ساخت گردن‌بندها پیاده کرده است؛ گردن‌بندهایی از جنس و طرح کایتبرد که به کمک رایانه طراحی می‌شوند و صاحبش را یاد حال و هوای ساحل می‌اندازند.

اولین مدال

انرژی جوانی و علاقه بهنام به ورزش‌های آبی او را در انجام تمرین‌ها مصمم کرد. وقتی ۱۷ ساله بود، برای شرکت در مسابقه اسکی روی آب در رشته «مونو اسلalom» اعلام آمادگی کرد. حتماً می‌دانید وقتی به بهنام گفتند در این مسابقه «رتبه اول» را کسب کرده است، چه حالی داشت! اسکی روی آب مقدمه‌ای بود برای ماهر شدن بهنام در «کایتبرد» که حالا می‌توان این رشته ورزشی را رشته اصلی او در مدال آوری و مربی‌گری معرفی کرد. مدتی بعد هم در سه دوره مسابقه «ویک‌اسکیت» شرکت کرد و در هر سه دوره روی سکوی اول قهرمانی ایستاد!

کارگاه شخصی

شهرها چه سرسبز باشند چه کویری، چه گرم باشد چه سرد، از نظر کسانی که در آن‌جا زندگی کرده‌اند و خاطره دارند، زیبا هستند. علاقه بهنام به جزیره باعث شد چیزهایی بسازد که حس زندگی ساحلی را به دیگران منتقل کند؛ حس خوبی که خود او با آن بزرگ شده بود. بهنام از دوران نوجوانی در کارگاه پدرش گردن‌بندهای چوبی می‌ساخت و به دوستانش هدیه می‌داد، اما از این راه درآمدی نداشت. بعد از دوره هنرستان که یاد گرفته بود با نرم‌افزارهای رایانه‌ای کار کند، طرح‌های تخصصی‌تری زد و حرفه‌ای‌تر از قبل گردن‌بندهایی با طرح «کایتبرد» ساخت.